

مردی به آن حضرت روی کرده گفت فدایت شوم ابو منصور مرا گفت که خدا او را به سوی خویش بالا برد سرش را بادیست نوازش کرده به فارسی به او گفت ای پسر، ابو عبدالله فرمود رسول خدا فرموده است که ابلیس نخنی را مابین آسمان و زمین برافراشته و هدای از دیوان دوزخی را پیش خود داشته هر گاه مردی او را بخواند وی اجابت کند و با وی از پشت و طی کند و پاهای خود را به سوی او دراز نماید و او را به سوی خویش بالا کشد، و ابو منصور همان فرستاده شیطان است. خدا ابو منصور را سه بار لعنت کند^۱.

دیگر از ایشان ابوهارون المکفوف و دیگر، فضل بن عمر جعفری بود. کشی می نویسد که به امام جعفر صادق گفتند که مفضل بن عمر می گوید شما اهل بیت هستید که روزی مابندگان را مقدر می فرمائید. امام فرمود بخدا سوگند که روزی ما را جز خداوند مقدر نمی فرماید. خدا مفضل بن عمر را لعنت کند و از او بیزار باشد^۲.

دیگر از غلاة در زمان جعفر بن محمد عمرو نبطی بود که با بعضی دیگر معتقد بودند که معرفت امام از نماز و روزه کفایت می کند، و علی در ابرها جای دارد و با باد پرواز می کند و پس از مرگ سخن می گفت و در مرده شوی خانه حرکت کرد و او خداوند زمین و آسمان است، و وی را شریک خداوند دانند^۳.

دیگر از غلاة روزگار حضرت امام جعفر صادق بشار شعیری است، و وی فروشنده شعیر یعنی جو بود، و او در گفتار با علیاویه همداستان بود و می گفت که علی (ع) از خدایی بگریخت و درخاندان علوی هاشمی جای گرفت، و بنده و رسول او محمد بود، و چهار شخص را که علی و فاطمه و حسن و حسین باشند مظهر خدا می دانست، ولی می گفت که حسن و حسین ساختگی هستند و در حقیقت علی است، زیرا او نخستین این اشخاص بود. بشاریه منکر پیغمبری محمد بودند و می گفتند که محمد بنده علی بود، و علی پروردگار است، و با مخمسه و علیاویه در تعطیل و تناسخ همداستان بودند. علیاویه گویند چون بشار شعیری

۱- رجال کشی، چاپ بمبئی ص ۱۹۶.

۲- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۳۲۳ (شماره ۵۸۷).

۳- ایضاً ص ۳۲۴ (شماره ۵۸۸).

منکر خدایی محمد شد و آنرا در علی قرارداد و محمد را بنده علی معرفی کرد و پیغمبری سلمان را انکار نمود به صورت مرغی مسخ گردید که او را علیاء گویند، وار در دریا است و از این جهت این فرقه را علیائیه (علیائوبه) نامیدند. حضرت امام جعفر صادق درباره بشار فرمود که بشار شمیری شیطان بن الشیطانی است که از دریا بیرون آمده نایاران مرا بفریبد.

از غلانی که در زمان حضرت موسی بن جعفر بودند یکی محمد بن بشیر از موالی بنی اسد بود که صاحب نبرنگ و شعبده بود و از واقعه درباره موسی بن جعفر بشمار می رفت. کسی می نویسد که محمد بن بشیر معتقد بود که حضرت موسی بن جعفر غایب شده و خود را به اهل نور، نورانی، و به اهل تیرگی و ظلمت، تیره و ظلمانی نشان می دهد. وی از خلق پوشیده است، و نمرده و به زندان پیموده. بلکه غایب شده و پنهان گشته و وی قائم مهدی است، و در هنگام غیبت خود محمد بن بشیر را جانشین خود ساخته و او را وصی خویش نموده و انگشتری خود را به وی داده و آنچه را که پیروانش از امر دین و دنیا احتیاج دارند به محمد بن بشیر آموخته و محمد بن بشیر پس از وی امام است. محمد بن بشیر ثوی بود و می گفت ظاهر انسان آدم و باطنش ازلی است، و هشام بن سالم با وی مسافره کرد و به گفتار او اقرار کرد و منکر وی نگشت، و چون محمد بن بشیر به درش رسید بن محمد را جانشین خود ساخت. ایشان همگی اباحی هستند و منکر احکام شرع می باشند.

از غلاة روزگار علی بن موسی الرضا یونس بن ظبیان است که آن حضرت را خدا می دانست و می گفت که آن حضرت فرمود: *انی انا الله لا اله الا انا فاعبدونی*، و اقم الصلاة لذکری» حضرت از شنیدن این سخن او را لعنت کرد، و او را از اهل جهنم دانست، و یونس بن ظبیان همان کسی است که سابقاً به الوهیت ابوالحطاب معتقد بود و بر سر قبر دختر او رفت و به وی دخت رسول خدا خطاب کرد.^۲

۱- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۳۹۸-۴۰۱.

۲- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۴۷۷-۴۸۲.

۳- ایضاً ص ۳۶۳-۳۶۵.

دیگر از غلاة روزگار علی بن موسی الرضا محمد بن فرات است که مردی شارب الخمر بود، و آن حضرت او را لعنت فرمود و از وی بیزاری جست.^۱
از غلاة روزگار حضرت امام محمد تقی و امام علی النقی ابوالعمرو جعفر بن واقد و هاشم بن ابی هاشم بودند که همان دعاوی ابوالخطاب را درباره ائمه می کردند، و آن امامان ایشان را لعنت نمودند.^۲

از غلاة روزگار حضرت امام حسن عسکری علی بن حسکه، و قاسم بن یقظین از اهل قم بودند و می گفتند مراد از آیه: «ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکره»^۳، ظاهر آیه نیست، بلکه مراد مردی است، و زکات و سجد و معاصی معنی ندارد بلکه این احکام را باید تاویل کرد، و مقصود امام و معرفت امام است. گویند علی بن حسکه اسناد قاسم شعرانی یقظینی بود، و حضرت امام حسن عسکری آن دورا لعنت کرد.^۴

دیگر حسین بن علی خواتیمی است که از غلاة روزگار حضرت امام حسن عسکری بود و حضرت رضا را نیز درك کرده بود. دیگر محمد بن نصیر نمیری، و فارس بن حاتم قزوینی، و حسن بن محمد معروف به ابن بابای قمی است که هر سه از غلاة روزگار علی بن محمد و حسن بن علی عسکری بودند. اینان فائل به حلول و تناسخ بودند و امام ایشان را لعنت کرد.

دیگر موسی السواق یعنی خرکچی بود که از اصحاب هلیاویه بشماره می رفت. او و پیروانش می گفتند که سید محمد (برادر حضرت حسن بن علی عسکری) رسول خدا است.^۵

این بود مجملی درباره غلاة شیعه که ائمه اثنی عشریه از ایشان بیزاری جستند. شیخ صدوق در اعتقادات خود می نویسد: اعتقاد ما در باره خالیان و نفویضیان آنست که آنان کافر بخدایند و بدتر از یهود و نصاری و مجوس و قدریه و حروریه و از کل اهل بدعتها و میلهای گمراه کننده هستند و آنان خدای را کوچک

۱- ایضاً رجال کشی ص ۵۵۲-۵۵۵.

۲- ایضاً ص ۳۰۰.

۳- قرآن کریم - سوره ۲۹ (المنکبوت) آیه ۴۵.

۴- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۵۱۶-۵۱۹.

۵- ایضاً ص ۵۲۰-۵۲۲.

کرده و خرد نشان دادند.

با کمال تأسف باید گفت همین آراء مالپخولیایی و سفیهانه غلاة شیعه است که موجب شده برادران سنت و جماعت ما مذهب شیعه را کیشی خرافی و دور از عقل و شرع بپندارند. حال آنکه چنین نیست و چنانکه در باره شیعه امامیه اثنی عشریه و عقاید ایشان در پیش به تفصیل شرح دادیم شیعیان امامی از این عقاید سخیف و اهواء باطل منزّه و مبری می باشند، و همانطوری که گذشت امامیه مانند ائمه خویش غلاة را مشرک و خارج از دین اسلام می شمارند، و جز حب به اهل بیت پیغمبر و عمل به فتاوی و دستورات ایشان مقصودی ندارند.

فرق غلاة :

مهمترین فرق غلاة فرقه های ذیلند:

- ۱- ابراهیمییه فرقه ای از غلاة و صوفیان ساکن در نعلفربکی از شهرهای موصل عراق هستند، و در عادات و رسوم نزدیکی زیادی با فرقه شیک دارند.^۲
- ۲- اثنینیه گویند محمد و علی هر دو خدایند و آنان دو گروه شوند، بعضی خدایی محمد را تقدیم و ترجیح دهند و فرقه ای خدایی علی و ابنان از ذمیه بشمار می روند.^۳

۱- اعتقادات صدوق ص ۱۱۹. درباره غلاة به دو منبع خارجی ذیل نیز مراجعه شود:

Friedlander (Israël), The heterodoxies of Shiites Journal of the American O-oriental Society, Vol, xxix, 1908; Sadighi, Les mouvements religieux iraniens au II^e et III^e siècles de L' Hégire, Paris 1938.

۲- احمد حامد الصراف، الشیک، طبع بغداد ۱۹۵۴. ص ۱۲۸۳ کامل مصطفی الشیبی، الطريقة الصفویة و رواسبها فی العراق المعاصر، طبع بغداد ۱۹۶۷، ص ۵۶-۵۷.

۳- غلام حلیم دهلوی، تحفه اثنی عشریه، طبع هند، نول کشور ۱۸۹۶، ص ۱۳.

۳- احدیه گویند ما را بر نبوت پیغمبر اقرار است، اما به ستهای او کاری نیست.^۱

۴- ازدویه از فرق غلاة پیروان علی الازدی هستند که می گفت علی امام و کردگار است و او را فرزندی نباشد.^۲

۵- ازلیه پندارند که علی و عمر بن الخطاب هر دو قدیمند و ازلی جز اینکه علی خیر محض و عمر شر محض است، و علی را دائماً می آزارد. این فرقه تحت تأثیر افکار ثنویت زردشتی و اصالت هرمزد و اهریمن واقع شده است.^۳

۶- اسحاقیه پیروان اسحاق بن زید بن حارث از یاران عبدالله بن معاویه بن جعفر هستند که علی بن ابیطالب را در نبوت با رسول خدا شریک می دانستند، و از ابا حیان بشمار می رفتند و گویا همان شریکیه باشند.^۴

۷- اسحاقیه از فرق علیائیه (علیائیه) پیروان ابویعقوب اسحاق بن محمد بن ابان نخعی کوفی ملقب به احمراند که در ۱۸۶ هـ درگذشت.^۵

۸- اصحاب الزیغ، ایشان گویند جبرائیل به قصد و عمد رسالت از علی بگردانید و به محمد داد و آنان جبرائیل را بدگویند. ظاهراً از ذمامیه (ذمیه) باشند.^۶

۹- اصحاب الکساء از علیائیه بودند که می گفتند اصحاب کساء یا آل هبا پنج تن بیش نیستند، و آنان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین می باشند، و روح خدا به تساوی در ایشان حلول کرده و یکی را برد دیگری برتری نیست. از اینجهت فاطمه را بدون هاء تانیث «فاطمه» می خوانند.^۷

۱۰- اعضالیان گویند مرخدای تعالی را دست و پای و انگشتان است

۱- معرفة المذاهب ص ۱۲.

۲- بیان الادیان ص ۱۵۸.

۳- اعتقادات فخر رازی ص ۶۱.

۴- خاندان نوبختی ص ۲۴۹.

۵- خاندان نوبختی ص ۲۴۹، البرسی، مشارق انوار الیقین فی اسرار

امیر المؤمنین، طبع بیروت ص ۲۱۱.

۶- فرق فخر رازی باب سوم.

۷- خاندان نوبختی ص ۲۵۰.

و درایمان خود به‌شکند.

۱۱- امریه غلاتی بودند که علی را در امر رسالت بسا حضرت محمد شریک می‌دانستند.^۱

۱۲- انازله گویند که ابن ملجم امیرالمؤمنین علی را نکشت و آن شخص که به‌دست او کشته شد دیوی بود که خود را به‌صورت علی فرا نموده بود و علی به‌آسمان رفت و فرود خواهد آمد.^۲

۱۳- اهل افراط یا غلو که بعضی از ائمه خود را به‌خداوند مانند کنند (رجوع شود به‌غالبه).

۱۴- اهل تفریط یا مشبهه با اهل تقصیر فرقی از شیعه هستند که خداوند را به‌ائمه تشبیه می‌کنند (رجوع شود به‌غالبه).

۱۵- اهل حق یا علی‌اللهیان فرقه‌ای از غلاة هستند که بعدها در اسلام پیدا شدند، و بقایایی از مذابح یهود و مجوس و مانوی هنوز در مذهب ایشان وجود دارد، و قائل به حلول و تناسخند، و علی را مظهر خدا شمارند.^۳

۱۶- ایوبیه باران جالوت قمی هستند و گویند که امام انسان کامل است و هرگاه به‌غایت خود رسد خدا در وی مسکن می‌گزیند، و به‌زبان خدا سخن می‌گوید.^۴

۱۷- بابکیه از فرق خرمیه (رجوع شود به‌خرمیه).

۱۸- باجوان از فرق غلاة که در شمال عراق ساکن هستند و در عقاید شیعه به‌فرقه شبک‌اند، و اختلافهایی جزئی دارند.^۵

۱۹- بدالیه غلاتی هستند که بداء را بر خدا تجویز نمایند و گویند که خدا بعضی از اشیاء را اراده می‌کند و پشیمان می‌شود، و خلافت خلفای ثلاثه

۱- الواد الأعظم ص ۱۸۵.

۲- خاندان نوبختی ص ۲۵۰.

۳- فرق فخر رازی باب سوم.

۴- ودلادیمر ابوانف، اهل حق، طبع تهران.

۵- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین ص ۲۱۲.

۶- الطریقه الصفویة و رواسبها فی العراق المعاصر، ص ۵۷.

بر همین جمله است.^۱

۲۰- بدعیه از فرق غلاة و معتقد به تشبیه اصحاب یحیی بن اصرم بودند، و می گفتند نماز جز دو رکعت در صبح و دو رکعت در شب نباشد.^۲

۲۱- بزبیه از غلاة و فرق خطایه پیروان بزیع بن موسی الحائک که امام جعفر صادق را مظهر خدا می پنداشتند.^۳ بعضی این فرقه را بزبیه خوانده اند که ظاهراً درست نیست.

۲۲- بشاریه پیروان بشار شعبری در گذشته در حوالی سال ۱۸۰ هـ است که فروشنده جو بود و از علیایه بشمار می رفت، و ذکر ایشان در پیش گذشت.^۴

۲۳- بشیریه از غلاة و پیروان محمد بن بشیر کوفی از موالی بنی اسد بودند که ذکر او در پیش گذشت.^۵

۲۴- بلالیه از فرق غلاة منسوب به ابوطاهر محمد بن علی بن بلال از اصحاب امام یازدهم و از منکران نیابت ابو جعفر عمری که ذکر او در پیش گذشت.^۶

۲۵- بنایه پیروان بنان تیان یعنی کاه فروش بودند که ذکر او در پیش گذشت و ظاهراً ایشان غیر از بنایه پیروان بیان بن سمعان نهدی هستند که معتقد به ناسخ و رجعت بود، و خود را جانشین ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه می دانست.

۲۶- بهمنیه (بهمنیه) گویند که خداوند پیوسته در صورت آدمیان ظهور کند و هر که از وی قدرتی بروز نماید که جهانیان از آن عاجز باشند او خداوند است، و خداوند جز در امیر مؤمنان علی و امامان بعد از او ظهور نکند، و همه پیغمبران بندگان علی و امامان هستند، و گویند علی فرموده است: «الحمد لله الذی

۱- غلام حلیم دهلوی، تحفه انبی عشریه، طبع هند، نول کشور ص ۱۵.

۲- الخطط مقربزی ج ۳ ص ۱۷۰ مقالات الاسلامیین اشعری ج ۱ ص

۱۱۲۶ بیان الادیان ص ۳۹.

۳- خاندان نوبختی ص ۲۵۱.

۴- کتاب المقالات والفرق ص ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۱۹۱.

۵- ایضاً ص ۱۱۹۱ بحار الانوار ج ۹ ص ۱۷۸.

۶- النبیه شیخ طوسی ص ۲۶۰-۲۶۱ احتجاج طبرسی ص ۲۴۵.

هوفی الاولین باطن و فی الاخر ظاهر^۱.

۲۷- بیانیه ازغلاة پیروان بیان بن سمان تمیمی نهلی هستند (رجوع شود به کیسانیه).

۲۸- تفویضیه گویند حق تعالی امور دنیا را به پیغمبر تفویض کرد، طایفه ای از ایشان گویند که امور عالم را به علی مرتضی مفوض داشت، و هرچه در دنیا است برای او مباح ساخت^۲.

۲۹- تمیمی یا زراربه از غلاة و مشبهه پیروان زراره بن امین تمیمی (در گذشته در ۱۵۰ هـ) هستند که علم و قدرت و حیات و سمع و بصر را برای خدایتعالی حادث می دانست و در باب امامت نیز از واقفه بود. زراره خدای را مصمت یعنی پروری جوف می پنداشت^۳.

۳۰- جبلیه فرقه ای از غلاة نصیری به بودند که پیشوای ایشان در جبل لبنان ادعای مهدویت کرد گاهی می گفت من محمد مصطفی، و گاهی من علی مرتضی، و گاهی من محمد بن الحسن المنتظم، و گروهی از نصیری به به طرفداری وی برخاستند. پیروان او با صدای بلند می گفتند: «لا اله الا علی و لا حجاب الا محمد و لا باب الا سلمان» و لعنت بر شیخین می کردند و مساجد را خراب می نمودند تا لشکریان طرابلس آمده آنان را بکشتند و پیرا کردند، و این ابیات از اشعار این فرقه است:

اشهد ان لا اله الا	حیدرة الأنزع البطین
ولا حجاب علیه الا	محمد الصادق الامین
ولا طریق علیه الا	سلمان ذوالقوة المتین ^۴

۳۱- جعفریه از غلاة که به امامت و غیبت و رجعت امام جعفر صادق

۱- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین ص ۲۱۳.

۲- تحفه اثنی عشریه، ص ۱۲.

۳- اختیار معرفة الرجال کشی (فهرست ص ۱۱۷-۱۲۰)، رجال نجاشی ص ۱۲۵، مقالات الاسلامیین اشعری ج ۱ ص ۲۸.

۴- مرآة الجنان یا فمی ج ۴ ص ۲۵۶، عباس الزادی، الکاکائیه فی التاريخ

ص ۱۰۲.

معتقد بودند، و ایشان پیرو عبدالرحمن بن محمد از متکلمان شیعه بشمار می‌رفتند.^۱

۳۲- جناحیه پیروان عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابوطالب ملقب به ذوالجناحین بودند. ایشان می‌گفتند که علم در دل عبدالله بن معاویه امام خود مانند علف در صحرا می‌روید، و او را خدا و مظهر رسول می‌دانستند، و از اباحیه بشمار می‌رفتند. سرانجام ابومسلم خراسانی رئیس ایشان عبدالله بن معاویه را بکشت.^۲

۳۳- جواربیه از غلاة پیروان داود الجواربی که فائل به تشبیه خداوند به انسان بود و اعضای او را به آدمی تشبیه می‌کرد و می‌گفت جز فرج و ریش خدا که چیزی در آن مورد نتوانم گفت، درباره دیگر اعضای خداوند از دست و زبان و چشم و گوش هر چه می‌خواهید پرسید.^۳

۳۴- جوالیقیه از مشبهه شیعه پیروان هشام بن سالم جوالیقی.^۴

۳۵- حارثیه دو فرقه‌اند از غلاة که ذکر ایشان در پیش گذشت از پیروان حارث شامی و عبدالله بن حارث.^۵

۳۶- حاصریه گویند پس از حضرت باقر پسر او زکریا امام شد و او در کوه حاصر مخفی است تا وقتی که اذن خروج به او رسد.^۶

۳۷- حروفیه از فرق غلاة که بعدها در اسلام پیدا شدند و عقیده داشتند در هر حرفی از حروف هجا رازی وجود دارد و حروف الفبا منوختات انسانی یعنی مظهر حروف جمال انسان است، و آدمی در نتیجه ریاضت می‌تواند به درجه الوهیت برسد. پیشوای ایشان فضل الله حروفی تبریزی معروف به استرابادی بود.^۷

۳۸- حسینیه از غلاة شیعه از پیروان ابومنصور که پس از او پسرش

۱ و ۲- خاندان نوبختی ص ۲۵۳.

۳- ملل و نحل شهرستانی ج ۱ ص ۱۴۹.

۴- خاندان نوبختی ص ۷۸.

۵- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۲۹۱.

۶- تحفه اثنی عشریه ص ۱۵.

۷- دکتر محمد جواد مشکور، تاریخ تبریز ص ۶۸۹-۷۰۲.

حسین بن ابی منصور را امام می دانستند.^۱

۳۹- حلاجیه از غلاة حلولی شیعه پیروان ابوالمغیث حسین بن منصور حلاج بیضائی که ذکر او در پیش گذشت.

۴۰- حلمانیه از فرق غلاة پیروان ابو حلیمان دمشقی که اصلاً ایرانی بود و سپس به دمشق رفت و قائل به حلول خداوند در صورتهای زیبا بود، و هرگاه صورتی زیبا می دید به وی سجد می کرد. لوثی ماسینیون در کتاب شرح حال حلاج او را یکی از مریدان حلاج می داند، و می نویسد که ابو حلیمان صوفی بود، و طوسی در کتاب اللمع او را ابو حلیمان صوفی نوشته است، و نیز ماسینیون در دائرة المعارف اسلام او را شاگرد سلیم بصری خوانده است.^۲

۴۱- حلولیه، همه فرقه هایی که به حلول روح خدا در آدم ابوالبشر و از آدم به پیغمبران و ائمه معتقد بودند حلولیه نام دارند. حلولیه قائل به تجسم و تجسد خداوند به صورت بشرند.^۳

۴۲- حمزویه پیروان حمزه بن عماره بربری می باشند.^۴

۴۳- حلویه از غلاة^۵.

۴۴- خرمیه از غلاة پیروان بابک خرمدین که به دست اشین سردار معنصم دستگیر و به امر آن خلیفه در ۲۲۳ هـ به قتل رسید. این فرقه را محمره یا سرخ جامگان نیز گویند.^۶

۴۵- خصیبیه یاران یزید بن الخصیب که می گفتند خداوند جز در امیرمؤمنان علی و امامان بعد از او ظاهر نشود، و پیغمبران را علی فرستاده است، و نیز گویند که امام به روح القدس تأیید می شود و گوشهای او سنگین می گردد.^۷

۱- مقالات الاسلامیین اشعری ج ۱ ص ۱۲۴ الحورالعین ص ۱۶۹.

۲- تاریخ مذاهب اسلام ص ۴۰۲.

۳- ایضاً ص ۳۹۹.

۴- اختیار معرفة الرجال کشی (فهرست ص ۱۰۷).

۵- خطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۷.

۶- تاریخ مذاهب اسلام ص ۴۰۷-۴۰۸.

۷- البرسی، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین، طبع بیروت

- ۴۶- خطابیہ از غلاة شیعه‌اند، ولی چون از پیروان اسماعیلیہ بشمار می‌روند از آنان در ضمن اسماعیلیہ بحث خواهیم کرد.
- ۴۷- خماریہ یاران محمد بن عمر الخماری بغدادی هستند، و گویند امام در میان مردم مانند چشم بینا و زبان گویا و آفتاب روشن و یاران بارنده است.^۱
- ۴۸- خمسیہ پنج تن (محمد، علی، فاطمہ، حسن و حسین) را خدادانند (رجوع شود به اصحاب الکماء)^۲.
- ۴۹- دانقیہ یاران حسن بن دانق‌اند و گویند اتصال امام به خدا مانند اتصال نور خورشید به خورشید است، و آن خدا نیست و غیر خدا هم نیست، و از او جدا است و با او نیامیخته است.^۳
- ۵۰- ذبابیہ ایشان گویند که چون در میان محمد و علی آنقدر شباهت بود که در ذباب یعنی دو مگس با یکدیگر دارند، جبرائیل در تبلیغ وحی بین ایشان اشتباه کرده و وحی را به محمد رسانید.^۴
- ۵۱- ذقولیہ غلانی بودند از شیعه که در آذربایجان پیدا شدند (رجوع شود به قولیہ)^۵.
- ۵۲- ذمامیہ از غلاة شیعه که جبرائیل را بجهت اشتباهش در تقدیم رسالت به محمد به جای علی بن ابیطالب مذمت می‌کردند.^۶
- ۵۳- ذمیہ از غلاة که مدعی الهویت علی بن ابیطالب بودند و حضرت رسول را دشنام داده ذم می‌کردند و می‌گفتند که علی حضرت محمد را از جانب خود مأمور تبلیغ دین خویش کرد، و آن حضرت مقام فرستنده خود را جهت خویش ادا نمود، و علی بن ابیطالب را تنها به این شکل راضی ساخت که شوهر دختر و مولای او باشد.^۷

۱- ایضاً ص ۲۱۲.

۲- تحفه اثنی عشریہ ص ۱۳.

۳- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین ص ۲۱۲.

۴- تحفه اثنی عشریہ ص ۱۳.

۵- السواد الاعظم ص ۱۷۶.

۶- تلبیس ابلیس ص ۹۸.

۷- تاریخ مذاهب اسلام ص ۳۹۷، تبصیر اسفرائینی ص ۷۵، الخطط مقریزی

- ۵۴- راجعیه رجوع شود به رجمه^۱.
- ۵۵- ربیعیه ظاهراً همان بزیمیه هستند^۲.
- ۵۶- ربیعیه دیگر همان غمامیه اند که معتقدند پروردگار جهان در موسم ربیع و بهار در پرده ابرها به سوی زمین نزول می فرماید (رجوع شود به غمامیه).
- ۵۸- رجمیه از غلاة شیعه که قائل به رجمت حضرت علی بن ابیطالب بودند، و بانگ رعد را آواز او و برق درخشنده را از آتش سمهای اسب او می دانستند^۳.
- ۵۸- زراریه رجوع به تمیمیه شود.
- ۵۹- زندقیه از غلاة و ظاهراً ایشان در اصل همان زنداقه و مزدکیه و مایویه اند که در ظاهر دعوی مسلمانی می کردند^۴.
- ۶۰- سابه کسانی بودند که ابوبکر و عمر را سب کرده دشنام می دادند، و ابوالسوداء از ایشان بوده است^۵.
- ۶۱- سبائیه از فرق غلاة پیروان عبدالله بن سبا یا عبدالله بن سوداء بودند که ذکر او در پیش گذشت^۶.
- ۶۲- سریه که از غلاة پیروان مردی به نام سری بودند^۷.
- ۶۳- سرفیه یاران سربخ به فتح سین هستند و بعضی به جای سربخ سرفی نوشته اند. مذهب ایشان مانند مذهب مفضلیه از غلاة است، مگر آنکه حلول لاهوت را در ناسوت در حق پنج شخص معتقدند، و آنان رسول خدا، و عباس، و علی، و جعفر، و عقیل می باشند^۸.

- ۱- رسالة معرفة المذاهب ص ۸.
- ۲- تیسیر اسغرائنی ص ۷۴.
- ۳- تلبیس ابلیس ص ۱۲۲ رسالة معرفة المذاهب فصل ۲.
- ۴- کتاب المقالات والفرق ص ۱۹۳-۱۹۴.
- ۵- خاندان نوبختی ص ۲۵۷.
- ۶- تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۳۸۶ مقاله دکتر مشکور در شماره دوم نشریه دانشنامه چاپ تهران.
- ۷- اختیار معرفة الرجال کشی (فهرست ص ۱۲۷).
- ۸- تحفه اثنی عشریه ص ۱۲.

- ۶۴- سلمانیه که از غلاة معتقد به الوهیت سلمان فارسی بودند.
- ۶۵- سماعیه یاران سماعه اسدی هستند که از او خوارق عادت و نیرنگ بازی و سیمیا ظاهر می شد.
- ۶۶- شاعیه از فرق غلاة^۲.
- ۶۷- شاکیه از فرق مشبهه شیعه^۳.
- ۶۸- شباسیه گروهی از غالیان شیعه در بصره که معتقد به الوهیت شباس المغیم بودند^۵.
- ۶۹- شبک فرقه ای از غلاة و صوفیان هستند که بعضی از افکار مسیحیت از جمله اعتراف به گناه و نوشیدن شراب به افکار آنان راه یافته است. ایشان در شمال عراق سکونت دارند و کتاب دینی آنان المناقب است. بسیاری از عقایدشان از فرقه ملامتیه گرفته شده است. از مراسم آنان می توان « شب شفران» یعنی شب آمزش و پوش از گناه را نام برد که در این شب زنان و مردان همه در جایی گرد آمده گریه و زاری می کنند و از خدا آمزش می طلبند. دیگر جشن شب اول آغاز سال، و شب دهم محرم است که در این شب نیز همه بخاطر مصیبت های فراوانی که بر سر اهل بیت رسول خدا آمد نوحه خوانی و گریه و زاری می کنند، و به خاطر احترام به روز عاشورا آن شب همگی کفشهایشان را در آورده و تا شب روز بعد با پای برهنه راه می روند. این شب در میان آنان « لیلۃ الکفشه» یعنی شب ازپای در آوردن کفش نام دارد. در کتاب السلوک مقریزی قبیله ای به نام شبک که از قبایل کرد بودند آمده است^۴.
- ۷۰- شریعیه از غلاة حلولیه ابی حباب ابو محمد، حسن شریعی که از یاران امام محمد تقی و امام حسن عسکری بود، بشمار می رفتند. و او نخستین کسی است

۱- مقالات، الامامین اتمری ص ۱۳.

۲- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المومنین ص ۲۱۳.

۳- الخطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۷.

۴- ایضاً ج ۴ ص ۱۷۰.

۵- فصل ابن حزم ج ۴ ص ۱۴۳.

۶- احمد حامد الصراف، الشبک، طبع بغداد ۱۹۵۴، الطريقة الصفویة

که پس از امام یازدهم دعوی باییت کرد^۱.

۷۱- شریکيه از غلاة شیعه کد علی بن ابیطالب را در پیغمبری با حضرت محمد شریک می دانستند (رجوع شود به امریه)^۲.

۷۲- شلمغانیه از غلاة حلولیه پیروان ابن ابی العزافر شلمغانی بودند. نام دیگر این فرقه عزافریه است (رجوع شود به مدعیان باییت).

۷۳- صائديه از غلاة پیروان صائد زهدی از معاصران حضرت امام بهمنر صادق^۳.

۷۴- طالبیه پیروان طالب بن عبدالله بن صباح بودند که به مظهریت امام محمد باقر اعتقاد داشتند. عبدالله بن صباح پدر طالب در مکتب معلم امام محمد باقر بود و از آن حضرت در کودکی غرائب و معجزاتی دید^۴.

۷۵- طیاریه از فرق غلاة منسوب به جعفر طیار عم رسول خدا هستند^۵.

۷۶- عرفیه یاران عرف بن الاحمر اند^۶.

۷۷- عشریه از مشبهه شیعه^۷.

۷۸- علویه عموم غلاتی که به حضرت علی بن ابیطالب مقام الوهیت می دادند و با رسالت را متعلق به آن حضرت می پنداشتند و آنان در مقابل محمد به بودند^۸.

۷۹- علی اللهیة رجوع شود به اهل الحق

۸۰- علیاویه یا علیانیه از فرق غلاة اصحاب علیاء بن ذراع دوسی یا سلمی که علی بن ابیطالب را خدا می دانستند و حضرت محمد را رسول او

۱- تاریخ مدینه - اسلام - ۳۹۸، تنصیر العوام ص ۳۱۹، خاندان نوختی ص ۲۳۵

۲- الخطط مغریزی ج ۴ ص ۱۷۷

۳- اختیار معرفة الرجال کشی (هرست ص ۱۴۴)

۴- أم الكتاب، طبع ایوانف ص ۱۱۳

۵- مفاتیح العلوه ص ۲۲، رجال کشی ج ۱ ص ۲۰۸

۶- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین ص ۲۱۳

۷- الخطط مغریزی ج ۴ ص ۱۷۰

۸- خاندان نوختی ص ۲۵۹

می‌شمردند که از جانب او به رسالت آمده و باغلاة دیگر مانند محمدیه و مخمه و بشاریه در پاره‌ای از عقاید اشتراک داشتند (ذکر ایشان در پیش گذشت)^۱.

۸۱- عمرویه از پیروان عمرونبطی بودند و مانند مفضلیه از غلاة بشمار می‌رفتند. ذکر عمرونبطی در پیش گذشت^۲.

۸۲- عمیره یاران عمر بن الفرات‌اند، و او شیخ اهل ناسخ بود^۳.

۸۳- عملیه از فرق مشبهه شیعه^۴.

۸۴- عمیره از غلاة و از فروع خط بیه پیروان عمیر بن بیان عجلی که از حیث عقیده شیعه به بزیعه بودند، و امام جعفر صادق را خدا می‌دانستند. این فرقه را عجلیه نیز گویند. آنان خرگاهی در محله کناسه کوفه برپا کرده و برای پرستش حضرت صادق در آنجا گرد می‌آمدند. یزید بن عمر بن هبیره والی عراق عمیر را بگرفت و در کناسه کوفه بردار کرد.

۸۵- عینیه از فرق غلاة که علی بن ابیطالب ر در الوهیت بر محمد مقدم می‌داشتند (رجوع به میمیه شود).

۸۶- عوجالیه پیروان عبدالکریم بن ابی العوجاء دایی معن بن زیاد بود که از زنادفه و اهل ناسخ و مشبهه بشمار می‌رفت، و حدیثهایی از خود می‌ساخت و برای آنها سندهایی می‌تراشید. اعتباری برای دیدن هلال در گشودن روزه قائل نبود، و حسابی در آن باره از خود ساخت و آنرا به امام جعفر صادق نسبت داد. محمد بن سلیمان عامل کوفه فرمان به کشتن او داد. در هنگام مرگ گفت مرا نخواهید کشت زیرا چهار هزار حدیث جعل کرده‌ام که با آنها حلالها را حرام و حرامها را حلال کردم. وی در ۱۶۰ هـ در زمان مهدی خلیفه کشته شد^۵.

۸۷- غالیه این نام بر عموم فرقی که درباره پیغمبر با ائمه غلو کرده‌اند

۱- ایضاً ص ۲۵۹، کتاب المقالات و الفرق ص ۵۶-۶۳.

۲- اختیار معرفة الرجال کشی ص ۳۲۴-۳۲۵.

۳- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین ص ۲۱۲.

۴- الخطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۰.

۵- تاریخ مذاهب اسلام ص ۳۹۶، ابن حزم ج ۴ ص ۱۴۲، الخطط ج

۴ ص ۱۷۴.

۶- تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۹۵، ۴۱۲، تبصیر اسفرائینی ص ۸۱.

و آنان را به مقام خدایی رسانیده اند اطلاق می شود^۱.

۸۸- غرایبه از غلاة از فروع خطایه بودند که می گفتند چون حضرت علی به رسول خدا از غرابی به غرابی یعنی از کلاغی به کلاغی شبیه تر بود، به همین جهت جبرائیل به اشتباه پیش محمد رفت و فرمان رسالت را به او رسانید^۲.

۸۹- غمامیه از غلانند؛ اینان را ربیعیه نیز گویند و اعتقاد دارند که پروردگار عالم در موسم بهار در پرده ابرها به سوی زمین نزول می فرماید و در دنیا طواف می کند و باز به آسمان صعود می نماید و اثر بهار از شکوفه و گل و ریحان و غله و سبزه از آن است. شاید ایشان همان سیائیه باشند که رعد را صوت علی و برق را شلاق او می دانستند^۳.

۹۰- غیریبه گویند که حضرت محمد (ص) حکیم بود نه رسول^۴.

۹۱- فارسیه گویند که بین خدا و امام واسطه ای وجود دارد و بر امام واجب است که از آن واسطه اطاعت کند و بر مردم واجب است که از امام اطاعت نمایند^۵.

۹۲- فواتیه یاران فوات بن اذحنف اند. و گویند خداوند کار خود را به خلق واگذار کرد و مرگ و زندگی و روزی را به علی و امامانی که از فرزندان او هستند تفویض نمود^۶.

۹۳- قتیبه گویند حضرت امام محمد باقر زنده است و نمرده و هرگاه که بخواهد ظهور خواهد کرد^۷.

۹۴- قزلباشید یا صاحبان عمامه سرخ که در آغاز شمار شاه اسماعیل صفوی و لشکریان او بود، و رمزی از تاج سرخ سلطان حیدر است که دوازده ترک بنام دوازده امام داشت. ایشان اکنون در آناتولی پراکنده اند و مذهبشان نزدیک به مذهب نصیری است، و مخلوطی از کرد و ترک می باشند. سر خود را نمی تراشند و ریشهای خود را درها می کنند و نماز پنجگانه را نمی گذارند و ماه رمضان را روزه نمی گیرند و تنها دوازده روز از آغاز محرم را روزه می گیرند و

۱ و ۲- خاندان نوبختی ص ۲۶۰.

۳- ایضاً ص ۲۶۰، تحفة اثنی عشریه ص ۱۲.

۴- رساله معرفة المذاهب ص ۱۳.

۵ و ۶ و ۷- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین ص ۲۱۲.

بر شهادت حسن و حسین می‌گیرند. ایشان معتقدند که خداوند در علی تجسم یافت چنانکه پیش از وی در بدن مردمی دیگر مانند عیسی و موسی و داود حلول کرده بود.^۱

۹۵- قمیه پیروان اسماعیل قومی که می‌گفت خدا به صورت هر کسی خواهد ظاهر می‌شود، و علی و امامان يك نور بودند.^۲

۹۶- قوایه یا ذقوله از القاب غلاة شیعه در آذربایجان.^۳

۹۷- کاکائیه فرقه‌ای از غلاة که در میان دوشهر کرکوک و اربیل پراکنده‌اند، و عقاید ایشان شبیه به اعتقادات شیک است. نام ایشان ماخوذ از کلمه کردی کاکا است که به معنی برادر می‌باشد. بنابراین کاکائیه به معنی برادری یا برادران است. آنان معتقد به تناسخ و عقاید حلولی هستند.^۴

۹۸- کاهلیه اصحاب ابو کامل که مردم را در ترک اقدابا به حضرت علی، و آن حضرت را در ترک طلب کافر می‌دانستند و منکر خروج برائمه بودند. بشار بن برد شاعر ایرانی از این فرقه بود.^۵

۹۹- کسفیه همان منصوریه پیروان ابومنصور عجللی بودند که از غلاة بود و خود را جانشین امام محمد باقر می‌دانست. ایشان آیه: «وان یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سبحان مرگوم»^۶، یعنی «و اگر ببینند پاره‌ای از آسمان برود آید گویند آن ابرهای برهم نوده شده است»، را ناویل کرده گویند «مراد از کسف ابومنصور عجللی است و به همین جهت این فرقه را کسفیه می‌خوانند».^۷

۱۰۰- کنائیه یاران عامر بن وائل بن کنانی هستند و گویند «محمد حنفیه

۱- الشیک ص ۲۴۲-۲۴۵.

۲- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین ص ۲۱۲.

۳- نبصرة الموام ص ۴۲۳؛ خاندان نوبختی ص ۲۶۱.

۴- عباس المزوی، الکاکائیه فی التاریخ طبع بغداد ۱۹۴۹.

۵- تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۳۲۰ المقالات و الفرق ص ۱۵۳؛ خاندان

نوبختی ص ۲۶۱.

۶- قرآن کریم سوره ۵۲ (الطور) آیه ۴۴.

۷- خاندان نوبختی ص ۲۶۱.

در کوه رضوی جای دارد و با گروهی از فرشتگان خروج کند و جهان را پرازدل و داد نماید.^۱

۱۰۱- کودیه از نامهای غلاة که در اصفهان به این فرقه داده اند.^۲

۱۰۲- کیایه از غلاة شیعه پیروان احمد بن کبیر که مدعی ریاست و قائمیت بود، و کتابی به فارسی و عربی درباره مذهب خود نوشته بود.^۳

۱۰۳- لاعنیه از غلاة که عثمان و طلحه و زبیر و معاویه و ابوموسی اشعری و عایشه را لعن می کردند.^۴

۱۰۴- مازیاریه پیروان مازیار نامی هستند که دین محمیه را به گرگان آشکار کردند.^۵

۱۰۵- متربصه نام گروهی از غلاة شیعه که منتظر خروج مهدی بودند، و در این انتظار در هر عصری یکی را به ولایت امر برمی گزیدند و او را مهدی می پنداشتند و همینکه وی بمرد دیگری را به این سمت برمی داشتند.^۶

۱۰۶- محمدیه گروهی از غلاة شیعه که حضرت محمد را خدای دانستند. ابیهنکی و فیاض بن علی از این طایفه بودند، فیاض کتابی در این باب بنام القسطاس داشت، و او را قاسم بن عبدالله بن سلیمان بن وهب در زمان معتضد بالله عباسی در کوفه بکشت.^۷

۱۰۷- محمدیه از غلاة منتظر رجعت محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن بودند. این فرقه می گفتند که امام محمد باقر جانشینی خود را به ابومنصور

۱- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین ص ۲۱۳.

۲- ملل و نحل شهرستانی، چاپ اروپا ص ۱۳۲؛ خاندان نوبختی ص

۲۶۲.

۳- ملل و نحل شهرستانی، چاپ اروپا ص ۱۳۸-۱۴۲، اعتقادات فخر

رازی ص ۶۱.

۴- الحطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۷؛ تلخیص ابلیس ص ۳۲.

۵- تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۹۲؛ تبصیر اسفراینی ص ۸۰.

۶- الحطط ج ۴ ص ۱۷۸، تلخیص ابلیس ص ۲۲، هفتاد و سه ملت

ص ۶۷.

۷- ابن حزم ج ۴ ص ۱۴۲.

وا گذاشت و این مقام بعد از ابو منصور به آل علی برمی گردد، و از فروع مقبره بشمار می رفتند.^۱

۱۰۸- محمده ایشان را از جهت آنکه در روزگار بابک جامه ای سرخ می پوشیدند محمده خوانند (رجوع شود به بابکیه)^۲.

۱۰۹- مخطئه از غلاة شیعه که می گفتند جبرائیل در هنگام رسانیدن وحی به علی خطا کرد و آنرا به محمد سپرد.^۳

۱۱۰- مخمسه از غلاة شیعه که می گفتند سلمان فارسی و مقداد و عمار و ابوذر عفراری و عمرو بن امیه ضمری از طرف خدا مأمور اداره مصالح عالیه و به سلمان مقام رسالت می دادند.^۴

۱۱۱- مرئیکه یا مزدکیه از القابی که مخالفان به بعضی از غلاة ری می دادند.

۱۱۲- مستئیه از فرقه مشبهه شیعه.^۵

۱۱۳- مشبهه عموم فرقی که در توحید قائل به تشبیه بودند، و از شیعه بودند، و از شیعه نیز جماعتی را به این عقیده منسوب داشته اند.^۶

۱۱۴- مشعشیه از فرق غلاة پیروان سیده محمد مشعش که دعوی مهدویت کرده و علی را خدا می خوانند و در نجف بارگاه امیرالمومنین علی را ویران کرد و چوب ضریح آن حضرت را پیروان او چون هیزم زیر اجاق سوزانیدند. سید محمد در خوزستان خروج کرد و در روزگار شاهرخ تیموری میزیست و در سال ۸۶۶ ه درگذشت.^۷

۱- خاندان نوبختی ص ۲۶۳

۲- تلخیص ابلیس ص ۱۰۴

۳- الخطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۸

۴- خاندان نوبختی ص ۲۶۳

۵- مال و نحل شهرستانی. جناب اروپا ص ۱۳۲: المقالات و الفرق ص ۶۴

۶- الخطط مقریزی ج ۴ ص ۱۷۰

۷- تاریخ مذاهب اسلام ص ۳۸۲

۸- احمد کسروی، مشعشیان یا بخشی از تاریخ خوزستان، آبان ۱۳۲۴.

- ۱۱۵- معمریه از غلاة شیعه پیروان معمر بن خثیم که خود را جانشین ابوالخطاب می دانست و مدعی مقام نبوت بود^۱.
- ۱۱۶- مغیره از غلاة پیروان مغیره بن سعید عجلی که بعد از امام زین العابدین و امام محمد باقر مغیره را امامی پنداشتند و انتظار ظهور محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن را به عنوان مهدی داشتند. مغیره سرانجام به دست خالد بن عبدالله القسری کشته شد^۲.
- ۱۱۷- منضلیه از غلاة شیعه پیروان مفضل صیرفی که قائل به الوهیت امام جعفر صادق بودند^۳.
- ۱۱۸- مفوضه یا مفوضیه از غلاة شیعه که امور عالم را به حضرت رسول و یا به علی و یا به یکی از ائمه مفوض می داشتند^۴.
- ۱۱۹- مقاتلیه از مشبهه شیعه ، پیروان مقاتل بن سلیمان^۵.
- ۱۲۰- مقنعه رجوع به بیضه شود.
- ۱۲۱- منصوریه رجوع به کفیه شود.
- ۱۲۲- منهالیه از مشبهه شیعه پیروان منهال بن میمون بودند^۶.
- ۱۲۳- میمیه از غلاة شیعه که علی بن ایطالب و حضرت محمد هر دو را نبی می دانستند ، ولی محمد بن عبدالله را در الوهیت مقدم می شمردند . در مقابل تجیه که این حق تقدم را به علی نسبت می دادند^۷.
- ۱۲۴- نجاریه از غلاة شیعه قائل به الوهیت ابوالقاسم نجار که در بلاد

۱- خاندان نوبختی ص ۲۶۴ .
 ۲- تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۳۸۸ خاندان نوبختی ص ۲۶۴ ، المقالات والفرق ص ۱۸۴ .
 ۳- خاندان نوبختی ص ۲۶۴ ، ملل و نحل شهرستانی ، طبع اروپا ص ۱۳۷ ، الخطط ج ۴ ص ۱۱۷۴ الجودالین ص ۱۶۸ .
 ۴- خاندان نوبختی ص ۲۶۴-۱۲۶۵ تاریخ مذاهب اسلام ص ۳۹۷ .
 ۵- معایجع الملووم خوارزمی ص ۲۰ .
 ۶- الخطط مقریزی ج ۴ ص ۱۶۹ .
 ۷- ملل و نحل شهرستانی ، طبع اروپا ، ص ۱۳۴ ، الخطط مقریزی ص ۱۷۷ .

حمدان قیام کرد و معروف به منصور شد، می‌باشند^۱.

۱۲۵- نجاریه باران حسن نجاره‌ستند و او در سال ۲۹۲ در یمن ظهور کرد، و دعوی باییت نمود، چون مردم دعوی او را پذیرفتند ادعای ربوبیت و خدایی کرد. مردی به نام حسن بن فضل خياط به وی پیوست و مردم را به نجار دعوت می‌کرد و می‌گفت که خود باب او است و به مردم دستور می‌داد که به خانه نجار رفته و حج کنند و مدت يك هفته آن خانه را طواف نمایند، و سرهای خود را همچون حاجیان بتراشند. نجار و خياط زنان و مردان را به هم می‌رسانیدند و ازدواج با محارم را جایز می‌دانستند و اگر زنی از پدر و برادرش آبتن می‌شد آن نوزاد را «صفوة» می‌خواندند^۲.

۱۲۶- نصیریه از فروغ فرقه سبائیه و اسحاقیه و نصیریه پیروان شخصی بنام نصیر بودند، و می‌گفتند که علی جاودان و خالد در طبیعت الهی است، و با اینکه او در ظاهر امام ما می‌باشد ولی در حقیقت خدای ما است، و دیگر شیعیان را که قائل به الوهیت علی نبودند «مقصره» می‌خواندند^۳.

۱۲۷- نصیریه که آنان را انصاریه و علویه نیز گویند منسوب به ابن نصیر نامی هستند و در قرن پنجم هجری از شیعه امامیه منشعب شدند و بعدها در شمال غربی سوریه جای گرفتند. تعالیم نصیریه عبارتست از النقاط عناصر شیعه و مسیحیت و معتقدات مردم پیش از اسلام. به عقیده ایشان خدا ذات یگانه‌ای است مرکب از سه اصل لایتجزی به نامهای «معنی»، و «اسم»، و «باب». این تثلیث به نوبت در وجود انبیاء مجسم و متجلی گشته، آخرین تجسم با ظهور اسلام مصادف شد، و آن ذات یگانه در تثلیث لایتجزایی در وجود علی و محمد و سلمان فارسی تجسم یافت بدین سبب تثلیث مزبور را با حروف «همس» معرفی می‌نمودند که اشاره به حرف اول سه اسم علی و محمد و سلمان است. نصیریه معتقد به تناسخند و مانند دروز که به دو دسته روحانی تقسیم می‌شوند به دو طبقه یکی هامة، و دیگری خاصه منقسم می‌گردند. خاصه از خود کتب مقدسی دارند

۱- ابن حزم ج ۴ ص ۱۴۳.

۲- مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین ۲۱۳.

۳- خاندان نوبختی ص ۲۶۶، گلدزیهر، العقیده والشریعه ص ۲۲۱.

و مضمون آنها را تاویل می کنند ولی برای عامه مکشوف نمی سازند . مراسم مذهبی را روحانیان ایشان بر بلندیها در بقاعی که قبه نامیده می شود برگزار می کنند. قبه ها معمولاً بر مقابر اولیا قرار دارند نصیریه در بزرگداشت عیسی افراط می کنند و حواریون وعده ای از شهدای مسیحیت را احترام می گذارند ، و به تعمیم و اعیاد مسیح نیز توجه دارند. بعضی از دانشمندان فرق علی الهی و نصیریه را یکی دانسته اند ، و این نظر صحیح نیست زیرا تنها چیزی که اهل حق و نصیریه را متحد می سازد همان الوهیت علی است که اختصاص به همه فرق غلاة شیعه دارد، ولی در دیگر عقاید و تشریفات مذهبی به هیچوجه با یکدیگر یکسان نیستند^۱.

۱۲۸- نصیریه از غلاة پیروان محمد بن نصیر نمیری.

۱۲۹- هلالیه پیروان احمد بن هلال عبرتائی که از غلاة و مدعیان نیابت امام بود بشمار می رفتند^۲.

۱۳۰- یعقوبیه از غلاة شیعه پیروان محمد بن یعقوب که می گفتند علی (ع) در میان ابرها به دنیا می آید. ایشان گویا همان غمامیه باشند^۳.

۱۳۱- بقلبه پیروان مردی به نام بقلی که ندیم عبدالله بن معاویه بود و می گفت آدمی مانند بقل و سبزی است که هر گاه بمیرد دیگر بازننگردد ، منصور خلیفه عباسی او را بکشت^۴.

۱- پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۳۲۱-۳۲۲، ۳۲۶، سوسنة سلیمان ص ۲۳۱-۲۴۶.

۲- اختیار معرفة الرجال کشی (فهرست ص ۴۱).

۳- بیان الادبایان ص ۱۵۷.

۴- مقالات الطالبین، طبع تهران ص ۶۵.

اسماعیلیه

منابع اسماعیله :

از میان خاورشناسان نخستین دانشمندی که در باره اسماعیلیه بحث کرده و تحقیقاتی عمیق و سودمند نموده است سیلوستر دوساسی دانشمند فرانسوی (۱۷۵۸-۱۸۳۸) است. وی در کتابی که در دو جلد در پیرامون دروز که فرقه‌ای از اسماعیلیه هستند نوشته، از مذهب اسماعیلیه و اصل و منشأ آن عقیده‌گفتگو کرده است.^۱

اساس تحقیقات دوساسی مبتنی بر معلوماتی است که در کتاب نه‌ایة‌الارب فی فنون‌الادب تألیف شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب نویری در گذشته در ۷۳۳ به روایت از ابن رزام نامی در گذشته در ۳۶۵ هـ که صاحب دیوان مظالم در بغداد بوده، و نیز به روایت اخو محسن بن عابد علوی دمشقی در گذشته در ۳۷۵ هـ آمده است. دوساسی اطلاعات خود را درباره اسماعیلیه با افزودن مطالبی که در کتاب مقریزی، والفهرست ابن ندیم و ابن اثیر آمده تکمیل نموده است. دوساسی در این کتاب مذهب اسماعیلی را از پدیده‌های فکری عبدالله بن میمون قداح می‌داند و می‌گوید این مذهب نهضتی ایرانی برضد تسلط عرب و اسلام بوده است.

پس از وی خاورشناس هلندی راینهارت دوزی (۱۸۲۰-۱۸۸۲) در کتابی که درباره تاریخ مسلمانان اسپانیا نوشته به مناسبتی در باره عبدالله بن میمون قداح به گفتگو پرداخته، و مانند دوساسی عقیده اسماعیلیان را فکری ایرانی پنداشته که از افکار مانوی و صابین حران و فلسفه یونان متأثر گردیده است.^۲

1- Silvestre de Sacy : Exposé de La Religion des Druzes, 2 tomes Paris 1838.

2- Reinhardt-Dozy: Histoire des Musulmans de L'Espagne, Paris 1932.

پس از او میخائیل یان دوخوبه (۱۸۳۶-۱۹۰۹) خاورشناس دیگر هلندی در کتاب معروف خود «یادی از قرامطه بحرین و فاطمیان» اعتماد بسیاری بر کتابهای اهل تسنن کرده و معتقد است که عبدالله بن میمون قداح اصلاً ایرانی است و برای دشمنی با عرب به تشکیل چنین فرقه‌ای پرداخته است.^۱

پس از وی کارائووا مستشرق فرانسوی (درگذشته در ۱۹۲۶) است که در مقاله‌ای که در مجله تحقیقات فرانسوی در ۱۹۲۰ در باره عقاید اسرار آمیز فاطمیان مصر نوشته مطالعاتی بر اساس کتاب مقریزی در پیرامون اسماعیلیه کرده، و آن مطالب را با آنچه که نویری نوشته مقایسه نموده است. وی معتقد است که اصل مذهب قرامطه منشعب از فرقه حنفیه یا کیسانیه می‌باشد.^۲

پس از او لویی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲) خاورشناس فرانسوی در مقاله‌ای که در دائرة المعارف اسلام در باره قرامطه نوشته گفته است که دعوت اسماعیلیها توسط ایشان در بین کشاورزان و پیشه‌وران رواج یافت، و مقصد قرامطه تأمین عدالت اجتماعی بر اساس مساوات و برابری بوده است. ماسینیون در تحقیقات خود در باره اسماعیلیه به منابع و اخبار شیعه امامیه توجه خاصی داشته، و نخستین کسی است که خاورشناسان را از اهمیت این منبع پرمایه آگاه کرده است.

از دانشمندان پرکار که در همین حال متخصص در مذهب اسماعیلی است، خاورشناس روسی ولادیمیر ایوانف می‌باشد که در سه سال پیش در تهران درگذشت. وی بیش از یکصد کتاب و مقاله در باره مذهب اسماعیلیان و منشأ و تعلیمات آن نوشته. چون کتابهای او به هزینه فرقه اسماعیلیه آغاخانیه منتشر می‌شد بعضی از دانشمندان او را در تحقیقات خود بیطرف ندانسته، بلکه هواخواه و طرفدار آن فرقه شناخته‌اند، حال آنکه چنین نیست. نگارنده در طول بیست سال معاشرت با آن مرحوم وی را مردی درستکار و بیطرف و حقیقت‌جو و مطالب

1— De Goje, M. J. Mémoire Sur Les Carmathes
Leyden, 1886.

2— Casanova, P. La Doctrine Secrète des Fatimides
d'Egypte.

معرفت یافتیم. او در عین فقر و تنگدستی بدون آنکه چشم داشت کمکی از سران توانگر آغاخانیه داشته باشد به تحقیقات خود ادامه می‌داد. تنها دلخوشیش آن بود که کتابهایش به خرج آنان به چاپ می‌رسد بدون اینکه وی از منافع فروش آنها برخوردار شود. در ضمن تحقیقات خود کتابنامهٔ ممتعی دربارهٔ آثار و منابع تحقیق مذهب اسماعیلیه نوشته است.^۱ ابوانف در تحقیقات خویش به متون اسماعیلیه دست یافت و غالب نسخ آنها را که در آسیای میانه و بدخشان و هند و پاکستان پیدا کرده به چاپ رسانید.

آخرین خاورشناس معروفی که دربارهٔ اسماعیلیه تحقیقات مفیدی دارد برنارد لوئیس دانشمند معاصر انگلیسی می‌باشد که تا کنون چند کتاب در پیرامون این مذهب و فرق آن منتشر ساخته است. اولین کتاب او دربارهٔ اسماعیلیه، رسالهٔ دکترای او در دانشگاه لندن است که دربارهٔ اصول آن مذهب به رشتهٔ تحریر درآورده است.^۲ لوئیس برخلاف دوساسی و دوزی که اصل اسماعیلیه را ایرانی می‌دانند، وی ایشان را حزب و فرقه‌ای عربی می‌شمارد که موالی اعم از ایرانیان و آرامیان نیز بدان مذهب در آمدند و عقاید مسیحی و ایرانی و بابلی قدیم را در آن داخل کردند. او امامان اسماعیلیه را به دو دسته مستقر و مستودع تقسیم می‌نماید که ابوانف نظری را در این مسئله درست نمی‌داند، و ما در صفحات بعد در آن مورد گفتگو خواهیم کرد.^۳

اسماعیل بن جعفر :

چنانکه در پیش گفتیم حضرت امام جعفر صادق بخمت پسر مهتر خود

1-- A Guide to Ismaili Literature. London 1933.

2-- Lewis B. The Origins of Ismailism Cambridge 1940 .

۳- دربارهٔ اسماعیلیه به دو کتاب ذیل نیز مراجعه شود،

Ivanow. w: Brief Survey of the Evolution of Ismailism Brill 1952; Henry Corbin: Epiphanie Divine et Naissance Spirituelle dans La Gnose Ismaélienne, Zurich 1955.